







## مهدی زاده: نزدیک دو سال است در

## وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت

## نرم افزارها رسماً انجام می شود و

## پدیدآورندگان این حوزه هم بدون

## نگرانی های بعدی می توانند طبق قانون

## ثبت نرم افزارها مصوب ۱۳۷۹ و

## آیین نامه اجرایی آن برای ثبت آثار خود به

## وزارتخانه مراجعه کنند

حال چه کسانی می توانند به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه کنند و بگویند ما اثری داریم و می خواهیم آن را ثبت کنیم. در ماده ۲ حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان، ۱۲ بند در باره صاحبان آثار آمده که هر یک از متقاضیان می توانند مراجعه کنند و مشکلی در ثبت اثر، بررسی و صدور گواهی ثبت اثر برای آنها وجود ندارد. مواردی هم هست که زیرمجموعه این موارد ۱۲ گانه نیست به عنوان مثال صدابردار در یک فیلم سینمایی امکان مراجعه مستقیم برای ثبت اثر خود را ندارد و این اثر زیرمجموعه حقوق مرتبط قرار می گیرد و در بحث حقوق مرتبط با کمی اغماض می توان گفت ما قانونی در ایران نداریم. البته امیدواریم در قانون جامع به یک قانون مدون و خوب برسیم.

بحث بعدی، حقوق پدیدآورنده است. اگر اثر پدیدآورنده ای ثبت و گواهی ثبت برای او صادر شد چه حقوقی برای او متصور است. ما باید ابتدا ببینیم که پدیدآورنده کیست و بعد حقوق او را تعریف کنیم. در ماده ۱ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، پدیدآورنده را همان مؤلف، مصنف و هنرمند می داند بی آن که تعریف قانونی از مؤلف، مصنف و هنرمند ارائه دهد. پیشنهادی که در حال بررسی درباره تعریف پدیدآورنده است و قرار است در قانون جامع هم درج شود این است که: «پدیدآورنده شخص یا اشخاصی هستند که بر اساس دانش، ابتکار و یا هنر خود کلیه مراحل عینی نمودن ذهنیات خود را انجام داده و اثری را خلق کرده است». تعریف پدیدآورنده را ما در قانون مربوط به نرم افزار (۱۳۷۹) داریم ولی در قانون سال ۱۳۴۸ وجود ندارد که امیدوارم این نقیصه هم در قانون جدید مرتفع شود. اولین، اساس ترین و مبنایی ترین حقی که برای پدیدآورنده می توانیم برشماریم بحث حق انحصاری پدیدآورنده در نشر، پخش، عرضه و اجرای اثر و بهره مندی از حقوق مادی و معنوی اثر است که این حقوق مادی علاوه بر این که انحصار در نشر، پخش و عرضه دارد امکان انتقال به غیر را دارد و مدت استفاده از حقوق مادی هم از تاریخ مرگ پدید آورنده ۳۰ سال اعلام شده است و استثنای آن در آثار سینمایی و عکاسی این است که این ۳۰ سال از تاریخ نشر یا عرضه اثر احتساب می شود. حقوق بعدی که برای پدیدآورنده در قانون در نظر گرفته شده حق انتصاب اثر به پدیدآورنده و رعایت تمامیت اثر است که زیرمجموعه حقوق پدیدآورنده بحث شد، تفکیک آن در قانون موجود به صراحت نیامده و امیدواریم در قانون جدید این تفکیک حقوق معنوی و حق انتصاب اثر به پدیدآورنده و رعایت تمامیت اثر تصریح شود.

آخرین محور صحبتیم را به بحث ضمانت اجرایی عدم رعایت حقوق پدیدآورنده اختصاص می دهیم. قانون به چه روش هایی از حقوق پدیدآورنده حمایت می کند؟ و صرف اعلام ممنوعیت این موضوع کفایت می کند و یا حتماً لازم است ضمانت اجرایی کیفری بر اساس قانون داشته باشد تا رعایت حقوق پدیدآورنده در نظر گرفته شود. در ماده ۲۳ قانون بیشترین مجازات را برای نادیده گرفتن تمام یا قسمتی از اثر ایجاد شده، در نظر گرفته که شش ماه تا سه سال حبس می باشد. در مورد نادیده گرفتن نام، عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، به نحوی که القاء شبهه با دیگر آثار بکند در ماده ۱۷ سه ماه تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است. مورد بعدی تکلیف انتقال گیرنده، ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد به اثری را دارند، مشخص می شود، به اعلام و درج نام پدیدآورنده، شماره دفعات چاپ،

تعداد نسخه مربوط می شود و ضمانت اجرایی عدم رعایت این موارد سه ماه تا یک سال حبس اعلام شده است که این قوانین جزء قوانین موجود کشور است و دادرسی تهران، دادرسی کارکنان دولت را برای اجرایی کردن این قانون مشخص کرده است. این مسئله در راستای داشتن محاکم تخصصی برای حوزه حق مؤلف، در واقع مقدمه بسیار خوبی است و امیدواریم بعد از این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قانون جامع جدید را به روزنامه رسمی رساند محاکم تخصصی را هم با همکاری قوه قضائیه ایجاد کند که از مرحله دادرسی محاکم بدوی و تجدید نظر در یک مجتمع ویژه رسیدگی بشود که هم قضات آن قضات تخصصی باشند، هم با این قوانین تخصصی آشنا باشند و سبب شود که ما به آن هدف اصلی که رعایت حقوق پدیدآورنده است نایل شویم. همچنین ضمانت اجرایی که برای حقوق معنوی پدیدآورنده بعد از سپری شدن مدت حق پدیدآورنده پیش بینی شده به چه معنی است؟ در سال جاری، کتاب های بسیار مهمی در حوزه حقوق، امور اجتماعی و مذهبی وارد حوزه عمومی شدند، یعنی پدیدآورنده سال ۵۸ فوت می کند و امسال که سال ۸۸ است، ۳۰ سال پیش بینی شده در قانون - مربوط به حقوق مادی پدیدآورنده - تمام شده است. در این حوزه بیشتر نگرانی ورثه این است که می خواهند تمامیت اثر حفظ شود و دخل و تصرفی در آن صورت نگیرد. این نگرانی به حق است، و خوشبختانه در قانون پیش بینی شده که حقوق معنوی پدیدآورنده به زمان و مکان خاصی مقید نیست و همیشه باید رعایت شود در مدت ۳۰ سال توسط ورثه و بعد از آن ۳۰ سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است به عنوان شاکی خصوصی از حقوق معنوی پدیدآورنده حمایت کند. آخرین نکته در مورد ضمانت اجرا این است که در مقررات موجود بحث مجازات زندان را داریم، جبران خسارت شاکی خصوصی پیش بینی شده، جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار غیرمجاز و ضبط آن هم در قانون موجود پیش بینی شده و پیشنهاد این است که حق امحاء آثار غیرمجاز با دستور مقام قضایی در قانون جدید به مجازات هایی که عرض کردم اضافه شود که این موضوع را هم در دست بررسی داریم که در صورتی که جمع دانشگاهی که در حال بررسی این موضوع هستند تأیید کردند در پیشنهاد قانون جدید رسماً درج و به دولت ارائه می شود. در خصوص حمایت از پدیدآورنده ایرانی در خارج از کشور یا پدیدآورنده غیرایرانی در داخل کشور ماده ۲۲ قانون سال ۱۳۴۸ و ماده ۶ قانون ترجمه و تکثیر سال ۱۳۵۲ را داریم که قابلیت موجود قوانین ایران است و در تلاش هستیم تا آخرین توافقاتنامه ها و اقدامات متقابلی را که بین ایران و سایر کشورها وجود داشته از طریق وزارت خارجه به دست آوریم تا موجب شود هم از آن پدیدآورنده خارجی در ایران حمایت شود و هم از آثار ایرانیان در خارج از کشور - در کشورهایی که ما عهدنامه متقابل داریم - حمایت کنیم به نحوی که از حداکثر استعدادهای را که در قوانین موجود ایران که همان قانون سال های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ است، استفاده شود.

در مورد ثبت نرم افزارها، لازم است اشاره کنم نزدیک دو سال است در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت نرم افزارها رسماً انجام می شود و پدیدآورندگان این حوزه هم بدون نگرانی های بعدی می توانند طبق قانون ثبت نرم افزارها مصوب ۱۳۷۹ و آیین نامه اجرایی آن برای ثبت آثار خود به وزارتخانه مراجعه کنند.



**دکتر محمدی: در قوانین ما و بسیاری از کشورها پدیدآورندگان دو دسته حقوق دارند حقوق مالی و حقوق معنوی، آنچه که موضوع قراردادها است صرفاً حقوق مالی آنها است و حقوق معنوی موضوع بحث نیست**

**دکتر محمدی:** مالکیت ادبی و هنری بحثی است که در کشور ما سابقه طولانی ندارد ولی در همین مدت کوتاه تلاش‌های - هر چند نتایج هنوز مشهود و ملموس نیست - بسیار زیادی صورت گرفته است. مقوله حقوق مؤلف یا مالکیت ادبی و هنری از ابعاد بسیار متعددی مورد توجه است. حقوق مؤلف یا نتایج حاصل از کار خلاق و فکری در کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی و در مقررات مربوط به بحث حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده و مورد احترام بشر شناخته شده است به عبارت دیگر رعایت و تضمین این حق توسط دولت‌ها در ماده ۲۷ بیانیه حقوق بشر به عنوان یک ضرورت، ضرورت احترام به انسان مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین از این منظر اگر نگاه کنیم دفاع از این حقوق، دفاع از انسانیت خواهد بود، هر چند اهمیت این بحث منحصر به مقوله معنوی و انسانی نمی‌شود و امروزه در همه کشورهای دنیا سرمایه‌گذاری در مورد حقوق مالکیت ادبی و هنری و صنایع و مشاغل مرتبط با آن، از حیث اقتصادی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در حال حاضر به لحاظ اقتصادی بخش زیادی از درآمد ناخالص ملی برخی کشورها از این گونه حمایت‌ها ناشی می‌شود که بدون شک قراردادهای هم نقش به‌سزایی در تحول و تکوین این مقوله و بازدهی اجتماعی و اقتصادی آن خواهد داشت. به لحاظ سیاسی و فرهنگی هم حمایت از آثار و پدیدآورندگان و دست‌انکاران نشر آثار و بهره‌برداری از آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و طبیعی است پیوندهایی که میان این افراد و مجموعه‌های مختلف اگر به خوبی برقرار شود بر پویایی و تحول اجتماع تأثیر زیادی خواهد داشت.

در عصر حاضر بیش از گذشته بر حقوق مالی تأکید می‌شود، شما اگر به مقررات سازمان تجارت جهانی توجه کنید، اهمیت حقوق مالی و ابعاد مالی مالکیت ادبی و هنری بیشتر از گذشته است و حقوق معنوی نه‌اینکه کلاً حذف می‌شود ولی تقریباً کنار گذاشته می‌شود. ما نمی‌خواهیم بگوییم باید حقوق معنوی کنار گذاشته شود، و در شرایط جامعه ما بودن حقوق معنوی بهتر است اما هر چه بیشتر بر اهمیت حقوق مالی تأکید شود قراردادهای به همان نسبت اهمیت پیدا می‌کنند. از لحاظ فلسفی قرارداد وسیله‌ای است برای تبادل اموال، توزیع سرمایه، جا به جا شدن اموال در میان آحاد جامعه؛ حال این قرارداد اگر مربوط به یک مقوله غیرمادی و ناملموسی مثل مالکیت ادبی و هنری باشد اهمیت آن بیش از گذشته خواهد بود. بعد دیگر در اهمیت قراردادهای حقوق مؤلف، ویژگی‌های موضوعی آن است. موضوع و طرفین قراردادهای بسیار مهم هستند و این باعث می‌شود که مقوله قراردادهای مؤلف اهمیت بیشتری پیدا کند. از حیث طرفین قرارداد که نگاه کنیم یک طرف پدیدآورنده‌ای است که عمرش را یا بخش زیادی از عمرش، وقت و انرژی، نبوغ، ابتکار خود را صرف می‌کند تا اثری را خلق کند این دسترنجی که او آماده کرده به عنوان یک اثر باعث می‌شود که شخصیت این آدم، ویژگی‌های شخصی او اهمیت فوق‌العاده پیدا کند به ویژه که معمولاً این گونه آدم‌ها، آدم‌های برجسته‌ای هستند و بنابراین شایسته توجه و حمایت ویژه هستند. قراردادی که این آدم‌ها منعقد می‌شود به عنوان این که ابزار جا به جا شدن اموال آن‌هاست، اهمیت پیدا می‌کند. اما خود موضوع قراردادهای حقوق مؤلف هم، موضوع جالبی است، از حیث موضوعی ما با یک مالی سر و کار داریم که مثل میز و صندلی نیست که ملموس باشد و همه بدانند چیست بلکه یک مال غیرمادی است و محسوس و ملموس نیست، یک امر اعتباری است که جامعه و قانون آن‌را به رسمیت شناخته و برای آن احترام قائل است و اهمیت آن اینجاست که نظام قانونی ما در حال حاضر بر اساس اموال مادی ساخته شده است. اگر قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ بررسی شود در جلد اول آن، بحث اموال مربوط به اموال مادی است. در قانون مدنی صحبت از اموال

مقوله قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان یکی از شاخه‌های بحث کلی مالکیت ادبی و هنری جایگاه بسیار مهمی دارد. عمده‌ترین راه دستیابی و دسترسی جامعه به آثار، قراردادی است که پدیدآورنده با دیگران منعقد می‌کند؛ یعنی اگر قرارداد نباشد و اثر از طریق قرارداد به دیگران واگذار نشود در اختیار جامعه قرار نخواهد گرفت و اهدافی که برای تولید این آثار در نظر گرفته شده است محقق نخواهد شد. پدیدآورنده صاحب حق است، حقی انحصاری که می‌تواند از آن بهره‌برداری کند یا نکند و این نظام قراردادی است که می‌تواند چنان اشتیاق و علاقه‌ای به پدیدآورندگان اعطا کند که با اطمینان و آسودگی، آثار خود را در اختیار دیگران قرار دهند تا جامعه از آن استفاده کند و به تدریج موجب تحول و پیشرفت جامعه شود. از سوی دیگر همین حمایت باعث می‌شود ناشر هم به عنوان کسی که سرمایه و وقت خود را صرف می‌کند احساس کند با حمایت‌های دولتی سرمایه او باز می‌گردد و برای او بازدهی خواهد داشت و در نتیجه اشتیاق سرمایه‌گذاری در او افزایش یابد. ولی اگر حمایت کافی نباشد که متأسفانه در شرایط فعلی این گونه است، رغبت به سرمایه‌گذاری هم در این مقوله کم می‌شود. یک بعد دیگر اهمیت قراردادهای بهره‌برداری، مربوط به خود حقوق مالی پدیدآورندگان است یعنی ابعادی که حقوق پدیدآورندگان و جنبه‌های مالی حقوق مؤلف دارد، باعث می‌شود اهمیت قراردادهای بیشتر باشد. در قوانین ما و بسیاری از کشورها پدیدآورندگان دو دسته حقوق دارند حقوق مالی و حقوق معنوی، آنچه که موضوع قراردادهای است صرفاً حقوق مالی آنها است و حقوق معنوی موضوع بحث نیست، بنابراین هر چه بر اهمیت حقوق مالی تأکید شود جایگاه قرارداد برجسته‌تر خواهد شد.





غیرمادی یعنی مالکیت ادبی، هنری، صنعتی و نظایر آن نمی‌شود؛ پس ما با مالی سر و کار داریم که آنچنان سابقه‌ای در قوانین ما ندارد پس قراردادهای این اموال، قراردادهای ویژه‌ای خواهد بود و نمی‌تواند از هر حیث تابع قراردادهای مادی باشد. از حیث دیگری این اموال محدوده زمانی خیلی کوتاهی و عمر مشخصی دارند - عمر پدیدآورنده به اضافه ۳۰ سال پس از پایان عمر او - که این مدت به هر حال طولانی نیست و این یک خصیصه‌ای است که در مورد مالکیت ادبی و هنری و به طور کلی در موضوع مالکیت فکری به طور کلی مطرح می‌شود و در رابطه با اموال نیست. بعد دیگر این که اموال موضوع این قراردادها، تأثیر اجتماعی شدیدی است که این آثار دارند. به هر حال یک کتاب ممکن است یک جامعه، بلکه دنیا را متحول کند. بنابراین ما با مالی سر و کار داریم که تأثیر فراوانی دارد حال شما فیلم، کتاب و موسیقی را در نظر بگیرید که هر کدام از نظر تأثیر شدت و ضعف دارد ولی ویژگی مال موضوع قراردادهای ما می‌شود که دولت هم سعی کند نظارت خود را گسترش دهد و منطقی است که دولت نظارت داشته باشد؛ اما نظارت مفیدی که مؤثر در پیشبرد آن باشد و تا آنجا که ممکن است جامعه را به تولید این گونه آثار و دستاوردها تشویق کند. از طرف دیگر موضوع این قراردادها یک ویژگی دیگر هم دارد که آن را نسبت به بقیه اموال ممتاز می‌کند و آن این که قابل تجزیه است. حقوق قابل تصور بر یک اثر، متنوع هستند از قبیل حق تکثیر، حق اقتباس، حق ترجمه، حق تبدیل به فیلم، اجاره دادن و همه حقوقی که در قوانین وجود دارد و شما می‌توانید در زمان‌ها، مکان‌ها، شرایط و اوضاع و احوال متفاوت مورد استفاده قرار دهید. یعنی پدیدآور می‌تواند کتاب خود را با شیوه‌ها و شروط مختلف به نحوی که تداخل پیش نیاید به صد نفر اجازه بهره‌برداری‌های متفاوت دهد. این ناشی از این است که حقوق مالکیت فکری به طور کل و مالکیت ادبی - هنری به طور خاص قابل تجزیه هستند. تنوع بسیار زیاد است برای همین وقتی ناشی می‌شود قرارداد بنویسد باید به این نکات توجه داشته باشد. طوری قرارداد ببندد که حقوقی که در قرارداد قابل تصور هستند و قانون این حقوق را برای پدیدآورنده به رسمیت شناخته تا حد ممکن برای خودش تحصیل کند و از آن طرف هم پدیدآورنده به حقوق بسیار زیادی که دارد توجه کند و اینکه ممکن است با یک قرارداد غیر محتاطانه بسیاری از حقوق خود را بدون توجه به آنها، واگذار کند، و این تجزیه‌پذیری هم اهمیت زیادی دارد.

به‌طور کلی در بحث قراردادهای مختلف دنیا دو دیدگاه اساسی وجود دارد، در کشورهایی مثل فرانسه، آلمان و کشورهایی که مبتنی بر قوانین - که حقوق نوشته گفته می‌شود - هستند، یک نگاه شخصی به پدیدآورنده دارند، یعنی از بعد شخصیت پدیدآورنده به آن توجه می‌شود؛ می‌خواهند از آثار حمایت کنند چون این آثار نبوغ پدیدآورنده هستند و به خود پدیدآورنده اهمیت بیشتری می‌دهند در این کشورها که فرانسه در رأس آنهاست، حقوق معنوی به رسمیت شناخته می‌شود و پدیدآورنده صاحب حقوق معنوی است. اما در مقوله قراردادهای قانون دخالت می‌کند و مقررات ویژه‌ای را برای قراردادهای وضع می‌کند. در فرانسه بیشترین قوانین و مقررات در باره قراردادهای پدیدآورندگان پیش‌بینی شده

است زیرا آنها می‌خواهند از پدیدآورنده حمایت کنند بنابراین می‌گویند قراردادهای باید کتبی باشد زیرا قرارداد شفاهی از لحاظ قانونی اعتبار ندارد. در قرارداد باید حق تألیف، قلمرو استفاده، زمان و مکان و شیوه‌های بهره‌برداری باید دقیقاً مشخص باشد. البته به جز فرانسه، آلمان و بقیه کشورها که درگیر این مقوله هستند، کمتر به موضوع قراردادهای توجه دارند. نظام دوم، نظام کاملاً است، کشورهای که به اصالت فرد و آزادی فردی بیشتر اعتقاد دارند می‌گویند حقوق مالکیت ادبی و هنری مثل میز و صندلی و اموال دیگر است و تفاوتی با آنها ندارد و پدیدآورنده هم هیچ خصوصیتی ندارد و یک مالک و صاحب مالی است که در این بازار باید با دیگران رقابت کند. آیا هر شخصی که بخواهد مالش را بفروشد ما باید از او حمایت کنیم. صاحب اثر هم با دیگران تفاوتی ندارد و چیزی که اهمیت دارد خود مال است یعنی توجه آنها بیشتر بر روی مال است. در این دسته از کشورها معمولاً قواعدی راجع به قراردادهای پدیدآورندگان وجود ندارد و معتقدند آثار فکری نیز مانند سایر اموال معامله شوند. در حال حاضر سازمان تجارت جهانی دیدگاه دوم را پذیرفته است، که اگر ایران هم عضو سازمان شود در این نظام قرار می‌گیرد. با این حال حتی دسته دوم هم قواعدی درباره قراردادهای دارند یعنی یک دسته از قواعد را یا خود قانون به‌طور اختصار یا رویه قضایی دادگاه‌ها در مقوله قراردادهای آنها تحمیل کرده‌اند. کشور ما در این میانه نه اولی است و نه دومی، از حیث فلسفه ما به حقوق آلمان و فرانسه شبیه هستیم، یعنی حقوق معنوی داریم و حقوق پدیدآورندگان بیشتر از منظر پدیدآورنده به آن توجه می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند؛ اما از حیث دفاع از آن ما در بحث قراردادهای نه شبیه فرانسه قوانین و مقررات محکمی داریم و نه حتی مثل انگلیس اندک مقررات را داریم. تقریباً در قوانین ما راجع به بهره‌برداری از حقوق مؤلف، انتشار یا عرضه اثر، اقتباس، ترجمه و سایر اینها قواعد خاصی وجود ندارد، در نتیجه در حال حاضر نظام حاکم نظام قانون مدنی است و نظام قانون مدنی نظامی است که برای اموال مادی ساخته شده و مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی است که در طول قرون مختلف ساخته شده - در عین این که خیلی پربار است - اما برای اموال تازه کافی و جوابگو نیست. واقعاً ضرورت دارد قانونگذار به فکر باشد تا حداقلی از مقررات را وضع کند، نمی‌گوییم مثل فرانسه باشیم که درصد حمایت محض از پدیدآورنده است، ولی حداقل‌هایی از مقررات وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد، که به آنها اشاره خواهیم کرد.

در بحث انعقاد قرارداد، آزادی قراردادی در کشوری مثل فرانسه بسیار محدود می‌شود، یعنی قانونگذار مداخله کرده و می‌گوید این چیزها حتماً باید در قرارداد باشد و اگر این ویژگی‌ها را نداشته باشد به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ البته فقط با هدف حمایت از پدیدآورنده یعنی عنان قرارداد را به دست پدیدآورنده می‌دهد و اگر آن مقررات رعایت نشود، پدیدآورنده می‌تواند قرارداد را فسخ کند و بسیاری از قراردادهای ما هم به این شکل باطل می‌کند. در آنجا معتقدند که خود پدیدآورنده اولین اراده برای انتشار اثر را ارائه کند و حتی نماینده قانونی او هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد. قرارداد باید کتبی باشد و حق تألیف به صورت نسبی تعیین شود،

به این خاطر که اثر در طول زمان افزایش و کاهش قیمت دارد به‌ویژه پدیدآورندگان بعد از یک مدت مشهور می‌شوند و آثارشان فروش بیشتری دارد و استقبال بیشتری از اثر او می‌شود، بنابراین او باید از درآمدهای آینده اثر هم سهم بگیرد. در حقوق ما نه کتبی بودن اجباری است نه حق تألیف به این صورت اجباری است. حتی حق تألیف نه تعریفی دارد و نه قلمرویی برای آن مشخص شده و نه الزامی در مورد آن وجود دارد، قراردادها می‌توانند رایگان باشند و خصیصه‌ای از این جهت نیست. موضوع قراردادها حقوق مالی است، حق تکثیر و عرضه اثر و به حقوق دیگر آن کاری نداریم. در این حقوق مالی در کشور ما حقوق مدنی باید اجرا شود. قانون ما در بحث طرف قرارداد، مقررات روشنی ندارد. در بحث حقوق مالی حکم خیلی صریح و روشنی ندارد، و در مورد تغییرات پیش‌بینی لازم صورت نگرفته است، مثلاً اگر ناشر بخواهد تغییرات جزئی انجام دهد به طوری که به اصل اثر لطمه نزند، اگر پدیدآورنده مخالفت کرد چه کار باید بکند، این مسئله در مورد کتاب کمتر ولی در مورد فیلم بسیار اتفاق می‌افتد. در قوانین ما مشخص نشده که اگر بین بهره‌بردار و پدیدآورنده در مورد چگونگی تغییر یا اصلاح اثر اختلاف پیش آمد چگونه باید عمل شود.

در مورد حق تألیف، در کشورهای حقوق نوشته مثل فرانسه، آلمان و اسپانیا که حق تألیف به صورت نسبی و درصدی تعیین می‌شود، اگر در طول زمان تغییر فاحشی در قیمت اثر به وجود آمد یعنی معلوم شد که پدیدآورنده خیلی ضرر می‌کند و قیمت‌ها آنقدر بالا رفته که با رقمی که در ابتدا قرارداد بستند سهم مؤلف بسیار کم است و سودی برای او ندارد - در مواقعی که حتی مبلغ قرارداد مقطوع بوده است - می‌توانند برای جلوگیری از ضرر پدیدآورنده تقاضای تجدید نظر در رقم حق‌التألیف کنند.

در آمریکا و انگلیس هم مسئله تجدیدنظر از قبل پیش‌بینی شده، یعنی پدیدآورنده در مدت معینی -

که در آمریکا ۳۵ سال است - می‌تواند مراجعه کند و در مورد رقم درخواست بازنگری کند.

در کشور ما چنین امکانی پیش‌بینی نشده است و به نظر می‌رسد با قواعد قانون

مدنی هم این امکانات فراهم نباشد. در حقوق فرانسه هم برای پدیدآورنده و هم برای ناشر حقوقی در حق تألیف

پیش‌بینی می‌کنند مثلاً حق تألیفی که پیش‌بینی می‌شود تا یک

درصدی مالیات ندارد، تا یک درصدی از آن توسط طلبکاران

قابل توقیف نیست و از طرف دیگر پدیدآورنده تا یک رقمی

در وصول طلبش می‌تواند بر سایر طلبکاران ناشر مقدم باشد،

در کشور ما چنین پیش‌بینی‌هایی صورت نگرفته و جای خالی این

مقررات احساس می‌شود. سؤال مهم اینک، آیا با قراردادی که منعقد

می‌شود ناشر مالک حقوق مؤلف می‌شود یا خیر؟، در انگلستان و فرانسه بحث انتقال مطرح است و ناشر مالک اثر می‌شود ولی در ایران بهره‌بردار یا ناشر صرفاً حق استفاده پیدا می‌کند ولی مالک نمی‌شود و برای مدتی معین - بر اساس قرارداد و یا قانون - صاحب حق استفاده از اثر می‌شود و این حق استفاده به معنی مالک نیست؛ پس اگر فردا قانونگذار حق دیگری برای پدیدآورنده به رسمیت شناخت آن حق به ناشر واگذار نمی‌شود ولی اگر مالک بود آن حق به او بر می‌گشت. در واقع در حقوق ما بهره‌بردار از حقوق مؤلف، صرفاً مجوز انحصاری است در بالاترین حد خودش، اما مالکیتی به وجود نمی‌آورد. مسئله مهم دیگر این که آیا ناشر تعهدی به بهره‌بردار از اثر دارد یا خیر؟ به عبارتی ناشری که اثری را برای انتشار دریافت می‌کند حتماً باید اثر را منتشر کند و اگر این کار را نکرد قرارداد او نقض می‌شود و باید خسارت بپردازد یا خیر؟ در قانون فرانسه معتقدند بهره‌بردار یا ناشر موظف است بر اساس قرارداد چون حقوق معنوی مؤلف اقتضا می‌کند، اثر را منتشر کند تا جامعه ببیند و درآمد پدیدآورنده در مواقع بسیاری به خصوص در مواردی که حق تألیف نسبی است، مبتنی بر انتشار اثر است. قانون ایران حکم مشخصی در این باره ندارد ولی به نظر می‌رسد در حقوق ما هم ناشر وقتی قراردادی را با پدیدآورنده منعقد کرد موظف است اثر را منتشر کند، چون از یک طرف قانون می‌گوید حق استفاده و از طرف دیگر حقوق معنوی پدیدآورنده موقوف به انتشار اثر است؛ مواد ۱۸ و ۲۰ قانون سال ۱۳۴۸ نیز که تأکید می‌کند ناشر باید شمارگان، محل نشر و ... را در شناسنامه اثر درج کند در واقع بر انتشار اثر تأکید می‌کند.

در نهایت من معتقدم در مورد قراردادهای مربوط به حق مؤلف جای قانون‌گذاری وجود دارد و بهتر است اهتمام ویژه‌ای به این مسئله صورت گیرد.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان، اولین قانون مختص مالکیت معنوی

در ایران است

۲. نمونه درخواست‌نامه و قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط بر روی سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته است.

۳. در واقع برای آثار منتشرشده در سال‌های گذشته و قبل از شروع فرایند ثبت اثر، وجود مجوز نشر به عنوان جایگزینی بر ثبت اثر تلقی می‌شود.

۴. در این راستا همایشی در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات که زیر مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است در حال طراحی است و ۳۰ دی‌ماه ۱۳۸۸ برگزار خواهد شد.

۵. یکی از شروط مهم برای پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، پذیرش احکام کنوانسیون برن است.

**دکتر محمدی: در حقوق ما بهره‌بردار از حقوق مؤلف، صرفاً مجوز انحصاری است، اما مالکیتی به وجود نمی‌آورد**